



اکبر اسد علیزاده

طلیعه سخن

نظریه بداء، از اعتقادات مشهور شیعه امامیه است که غالباً مخالفان شیعه به انکار و انتقاد آن پرداخته‌اند. این مقاله، با نگاه به کتاب و سنت به توضیح و نقد نظر مخالفان پرداخته است.

شیعه بر این باور است که خداوند بر همه چیزها و رویدادها از گذشته و حال و آینده آگاه است و چیزی از او پوشیده نیست تا با آگاهی از آن جهل پیشین وی برطرف گردد؛ بلکه طبق تصریح و تأکید قرآن کریم، خداوند کار آفرینش را وانگذاشته و هر روز در کاری نو است و عالم امر و خلق در دست

اوست و خلقت و تدبیر عالم به حسب مشیّت خداوند استمرار دارد. این چیزی است که همه مسلمانان در آن اتفاق نظر دارند.

طبق بیان قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، سرنوشت انسانها با کارهای خوب یا بد تغییر می‌کند. فضایی همچون: صدقه، احسان، دعا، کمک کردن به دیگران، استغفار، توبه و نیکی به پدر و مادر، تقدیر را تغییر می‌دهد، موجب گشایش می‌شود، اندوه را می‌زداید و روزی و مواهب طبیعی را می‌افزاید. در مقابل، کارهای غیر اخلاقی و نافرمانی از احکام شریعت، همچون:

اثبات آن می‌باشد و دارای اثر تربیتی فراوانی در جامعه اسلامی است.

آثار اعتقاد به بداء

اعتقاد به بداء بذر امید را در دل مؤمنان می‌کارد و مؤمن درمی‌یابد که سرنوشت او با پرداختن به دعا و مناجات، توبه و استغفار و یا کارهای نیک ممکن است تغییر یابد. چنین نیست که همه آنچه باید بشود، از پیش تعیین شده باشد. آنچه بر اثر رفتار انسان برای وی مقدر می‌شود، برگشت‌ناپذیر باشد. خوشبختی و بدبختی هر کس براساس تقدیر حتمی مشخص نشده و هر آن احتمال دگرگونی و تغییر است. خواه ناخواه در پرتو چنین باوری، یأس و ناامیدی برای آینده از زندگی انسان رخت برمی‌بندد و با قلبی سرشار از امید به آینده و رفع گرفتاری، به بندگی و تضرع در پیشگاه الهی روی می‌آورد.

محل نزاع در بداء

مخالفان بداء آن را به معنای لغوی گرفته‌اند و به همین جهت، انتساب آن را به خداوند محال می‌دانند. آنان چنین

۱. لسان‌العرب، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ تاج العروس، ج ۱، ص ۱۳۷.

بدخویی، بسخل ورزی، قطع رحم، نافرمانی از پدر و مادر و ترک دعا، نقش منفی در سرنوشت افراد دارد، روزی را می‌کاهد و عمر را کوتاه می‌کند.

اعتقاد به بداء برخلاف آنچه مخالفان می‌پندارند، به معنای تغییر علم پیشین الهی نیست؛ بلکه اقرار به تقدیم و تأخیرها و محو و اثباتهایی است که خداوند در عالم تکوین پیش می‌آورد.

بداء در لغت و اصطلاح

بداء در لغت، دو معنا دارد:

۱. «بَدَأَ الْأَمْرُ يُبْدِئُ وَأَوَّلُهُ بَدَاءٌ»؛ یعنی این موضوع آشکار و واضح شد. پس، یکی از معانی «بداء» آشکار شدن و وضوح است.
۲. «بَدَأَ لَهُ فِي الْأَمْرِ كَذَا»؛ یعنی در این موضوع چنین رأیی برایش پیدا شد؛ رأی تازه‌ای پیدا کرد.^۱

اما بداء در اصطلاح، یعنی تغییر سرنوشت و تقدیر الهی در مورد انسان بر اثر اعمال پسندیده و ناپسند او. البته درباره خداوند، به مفهوم آشکار شدن چیزی است که بر بندگان مخفی بوده و ظهورش برای آنان تازگی دارد. این تعریف، چیزی است که شیعه به دنبال

پنداشته‌اند که مقصود از بداء درباره خداوند این است که برای حق تعالی نیز، همانند مخلوق رأی تازه‌ای غیر از آنچه پیش از بداء داشته، پیدا می‌شود.

در حالی که موافقان بداء، تعریف اصطلاحی خاصی را که مغایر با تعریف لغوی آن است، مد نظر قرار داده‌اند و این مفهوم، یعنی تأثیر عمل و رفتار پسندیده و ناپسند، یا مؤمن و غیر مؤمن بودن شخص در تحوّل مشیت الهی، امری است که نزد مخالفان بداء نیز مورد قبول واقع شده است؛ زیرا آنها نیز تأثیر دعا و صلّه رحم و صدقه و سایر اعمال نیک در رفع مقدرات و قضا و قدر الهی و تغییر آنها را می‌پذیرند.

اقسام بداء

بداء دارای دو قسم است:

۱. بداء محال: آن چیزی است که به همراه تبدیل و تغییر رأی در علم ذاتی خداوند باشد.

۲. بداء ممکن: عبارت است از اینکه رویدادهایی بر خلاف مقتضیات و محالات عادی ظهور پیدا کنند، مانند مرگ شخصی که اصلاً احتمال مرگ او داده نمی‌شد و یا شفای مریضی که اصلاً

امیدی به صحتش نبوده است.

این گونه دگرگونیها، نسبت به انسان، دگرگونی به شمار می‌رود؛ اما در مقایسه با خدای متعال اصلاً دگرگونی محسوب نمی‌شود؛ بلکه خداوند از روز نخست به این قضیه علم داشته است؛ به عبارت دیگر، آنچه برای ما پنهان بوده، خدا آن را آشکار کرد؛ نه اینکه چیزی برای خداوند مخفی بود و هم‌اکنون برای او ظاهر شد.

پس بداء به این معنا که در ناحیه علم ذاتی خداوند تبدیل و تغییر حاصل شود، محال بوده و شیعیان این را قبول ندارند؛ اما اگر فعل خداوند تغییر و تبدیل یابد، چه فعل تکوینی باشد (مانند مرگ شخص) و چه تشریحی (مانند حکم تغییر قبله)، این محال نیست و این، همان چیزی است که شیعه در بحث بداء به آن اعتقاد دارد.^۱

بداء در قرآن

تغییر سرنوشت و مقدراتی که برای انسان به وسیله اعمال او تعیین شده، امری است که در بسیاری از آیات قرآن

۱. بدایة المعارف الالهية فی عقاید الامامية، محسن خرازی، ج ۱، ص ۲۲۱.

به آن تصریح شده است:

۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛^۱ «خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.»

در این آیه، خداوند به صراحت می‌فرماید که تغییر سرنوشت یک قوم بسته به تغییر رفتار ایشان است و خداوند مقدرات آن قوم را تغییر نمی‌دهد، مگر بر اساس اعمال ایشان. بنابراین، هرگونه دگرگونی در منش و روش عملی بشر، موجب دگرگونی در سرنوشت اوست.

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛^۲ «و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکاتی آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم؛ ولی آنها [حق را] تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

ایمان و عمل صالح، عاملی مؤثر در جهت نزول نعمتهای الهی از آسمان و

زمین دانسته شده است و در مقابل، معیشت سخت و گرفتاریهای مقدر شده برای برخی انسانها، معلول دوری آنان از ذکر و یاد خداوند معرفی شده است؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»؛^۳ «و هر کس از یاد من رویگردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت.»

۳. «وَإِذ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»؛^۴ «و [همچنین به خاطر آورید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.»

در این آیه شکرگزاری و کفران نعمت، عامل فزونی و کاستی نعمات الهی دانسته شده است. پس عمل انسان، مقدرات او را متحول می‌کند.

۴. «فَلَوْلَا كَاتَتْ قُرَيْبَةً ءَامَنَتْ فَانْتَقَهَا»

۱. رعد / ۱۱. شبیه این آیه در سوره انفال / ۵۳

قابل توجه است.

۲. اعراف / ۹۶.

۳. طه / ۱۲۴.

۴. ابراهیم / ۷.

مثلی زده است: اهل منطقه‌ای که آمن و آرام و مطمئن بود و همواره روزشان از هر جامی رسید؛ اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به جهت اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس بر اندامشان پوشانید.»
و اگر بخواهیم اصل عقیدتی بداء را در یک آیه بیابیم، می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد: ﴿يَمْخُوا لِلَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُفِيَّتْ وَعِنْدَهُ رَأْمُ الْكُتَيْبِ﴾؛^۴ «خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند و لوح محفوظ نزد اوست.»

یهودیان معتقدند که خداوند پس از آفرینش عالم، برنامه‌ای کلی و فراگیر برای آن معین نموده است. آنان می‌گویند که خداوند این جهان را تابع همان برنامه اولیه‌ای که خدا تنظیم کرده، قرار داده است؛ بی‌آنکه بتواند در گذر زمان در آن تغییری ایجاد کند؛^۵ ولی خداوند در ردّ نظر آنها ضمن اشاره به بسط ید و قدرت

﴿إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ ءَٰذَابَ الْعِزِّي فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ ءِلٰى حِيْنٍ﴾؛^۱ چرا هیچ یک از [شهرها و] آبادیها ایمان نیاوردند [که ایمانشان به موقع باشد و] به حالشان مفید افتد؟ مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تاملت معینی (تا پایان عمرشان) آنها را بهره‌مند ساختیم.»
در این آیه، عذاب قوم یونس که پیش از آن، از سسوی آن پیامبر الهی پیشگویی شده بود و به این ترتیب، اشاره به تقدیر الهی در این زمینه کرده بود، با ایمان و عمل صالح قوم او برطرف می‌شود و متحول می‌گردد.

چنانکه در فرازی دیگر می‌خوانیم: ﴿قُلُوْا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ ۝ لَسَبِّتْ فِى بَطْنِيْهِ ۝ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ﴾؛^۲ «و اگر او (یونس) از تسبیح‌کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»

۵. ﴿وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللّٰهِ فَأَذَقَهَا اللّٰهُ لِيَٰسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ﴾؛^۳ «خداوند [برای آنان که کفران نعمت می‌کنند]

۱. یونس/۹۸.

۲. صافات/۱۴۳-۱۴۴.

۳. نحل/۱۱۲.

۴. رعد/۳۹.

۵. اشاره به مفهوم آیه ۶۴ از سوره مائده دارد.

روایات تأکید بسیاری بر انجام آن شده است؛ به دیگر سخن، استجاب دعا خود به معنای تغییر تقدیر الهی است که در فرض نبودن دعا محقق می‌شد. در این باره می‌توان به احادیث ذیل اشاره کرد:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ أَرَىٰ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ فَرَأَىٰ رَجُلًا أَزْهَرَ سَاطِعًا نُورُهُ، قَالَ: يَا رَبِّ مَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا ابْنُكَ دَاوُدُ قَالَ: يَا رَبِّ فَمَا عُمُرُهُ؟ قَالَ: سِتُّونَ سَنَةً قَالَ: يَا رَبِّ زِدْنِي عُمُرًا قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ تَزِيدَهُ مِنْ عُمُرِكَ قَالَ وَمَا عُمُرِي؟ قَالَ: أَلْفَ سَنَةٍ قَالَ آدَمُ: فَقَدْ وَهَبْتَ لِي أَرْبَعِينَ سَنَةً مِنْ عُمُرِي... فَلَمَّا حَضَرَ الْمَوْتَ وَجَاءَتْهُ الْمَلَائِكَةُ قَالَ: قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِي أَرْبَعُونَ سَنَةً. فَأَلَوْا: إِنَّكَ قَدْ وَهَبْتَهَا لِابْنِكَ دَاوُدَ؛^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند نسل آدم ﷺ را به او نشان داد. آدم در میان آنان مردی را دید با چهره‌ای نورافشان. عرض کرد: خدایا! این کیست؟ فرمود: این فرزند تو داود است. عرض کرد: خدایا! عمر او چقدر است؟ فرمود: شصت سال. عرض داشت: خدایا! در عمر او بیفزای! فرمود:

خود، به لوح محو و اثبات تصریح می‌کند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ عَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعْنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ؛^۱» «و یهود گفتند: دست خدا [با زنجیر] بسته است. دستهایشان بسته باد و به موجب این سخن، از رحمت الهی دور شدند؛ بلکه هر دو دست [قدرت] او گشاده است.»

بنابراین، خداوند برای ایجاد تغییر در مقدرات خود، اعمال انسان را میزان قرار داده و متناسب با آنها سرنوشت آدمی را متحول می‌کند. گفتنی است که انسانها در رفتار خویش مختار و آزادند و می‌توانند به گونه‌ای شایسته عمل کنند و به خواست الهی سبب تحول در سرنوشت خود شوند.

بداء در روایات

روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت درباره بداء و تغییر مقدرات در پرتو رفتار انسان وارد شده است؛ برای نمونه، چند مورد را در موضوعات مختلف نقل می‌کنیم:

۱. تحقق بداء در اثر دعا

از مواردی که بداء را ثابت می‌کند، مسئله دعا و نیایش است که در قرآن و

۱. مائده / ۶۴.

۲. مسند ابی داود طیالسی، ص ۳۵۱، ح ۲۶۹۲.

إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أَهْلِ الشَّقَاةِ فَاْمِنْجِنِي
وَأَتَيْتَنِي فِي أَهْلِ السَّعَادَةِ؟^۲

خدایا! اگر مرا از زمره شقاوت‌مندان
قرار داده‌ای، نامم را از آن محو نما و از
سعادت‌مندان قرار بده!

و از قول «أبي وائل» آورده‌اند که
بارها می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنَا أَشْقِيَاءَ
فَأْمِنْحْ وَارْتَبْنَا سَعْدَاءَ، وَإِنْ كَتَبْتَنَا سَعْدَاءَ فَاْتَيْتَنَا
فَأَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتَنْبِئُ وَعِنْدَكَ أُمَّ
الْكِتَابِ»^۳

خدایا! اگر ما را در زمره بدبختان
قرار داده‌ای، از بین آنان محو نما و در
زمره نیک‌بختان جای‌گزين فرما و اگر در
زمره نیک‌بختان قرارمان داده‌ای، در آن
استوار دار؛ زیرا تو هر چه را بخواهی، از
بین می‌بری یا برقرار می‌داری و کتاب
اصلی نزد توست.

۲. بداء در مورد روزی و عمر افسان

۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۳۰.

۲. جامع البيان في تفسير القرآن، طبری، ج ۱۳،
ص ۱۱۳.

۳. روح المعاني، تفسير القرآن العظيم، ج ۷،
ص ۱۶۰؛ جامع البيان في تفسير القرآن، ذیل آیه
۳۸ سوره رعد؛ تفسير قرآن العظيم، ذیل آیه ۳۸
سوره رعد؛ الجامع لأحكام القرآن، ذیل آیه ۳۸
سوره رعد؛ کنز العمال في سنن الاقوال والافعال،
ج ۲، ص ۶۷۴، ح ۵۰۳۷.

نمی‌شود، مگر آنکه از عمر خودت به او
بیفزایی. عرض کرد: عمر من چقدر
است؟ فرمود: هزار سال. آدم گفت: من
چهل سال از عمرم را به او بخشیدم...
هنگام وفات او که فرارسید و فرشتگان
قبض روح به بالینش آمدند، گفت: هنوز
چهل سال از عمر من باقی است! گفتند:
تو خودت آن را به داود بخشیدی.

- ابو عثمان نهدی روایت می‌کند که
روزی عمر بن خطاب در حال طواف
خانه خدا می‌گریست و می‌گفت:

«اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أَهْلِ السَّعَادَةِ
فَاْتَيْتَنِي فِيهَا، وَإِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أَهْلِ الشَّقَاوَةِ
وَالذَّنْبِ فَاْمِنْجِنِي وَأَتَيْتَنِي فِي أَهْلِ السَّعَادَةِ
وَالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتَنْبِئُ وَعِنْدَكَ
أُمَّ الْكِتَابِ»^۱

خدایا! اگر مرا در زمره سعادت‌مندان
قرار داده‌ای، در آن استوار دار و اگر از
شقاوت‌مندان و گناهکاران نوشته‌ای، نامم
را از آن محو کن و در میان سعادت‌مندان و
اهل مغفرت جای‌گزين بفرما؛ زیرا تو هر
چه را بخواهی، محو یا برقرار می‌داری و
کتاب اصلی نزد توست.

و از قول صحابی پیامبر، ابن
مسعود، روایت شده که می‌گفت: «اللَّهُمَّ

خیر، باعث دگرگونی تیره‌بختی به نیکبختی شده و عمر را طولانی‌تر کرده، [انسان را] از پرتگاههای بد در امان می‌دارد.»

نتیجه

با توجه به آیات و روایات گذشته روشن می‌گردد که بداء به معنای تغییر در قضا و قدر الهی در اثر اعمال انسان، امری مسلم و قطعی است.

ولی مخالفان بداء با توجه به فهم نادرست خود از این واژه، تصور کرده‌اند که بداء به معنای لغوی آن است که به دلیل ملازمه با نقص و جهل در ذات حق تعالی مردود است؛ در صورتی که بداء نزد خداوند تنها دارای نوعی شباهت و همانندی با بداء نزد انسانهاست و در درون آن، مفهوم جهل و خفا نهفته نیست. بنابراین، بداء به معنای درست و اصطلاحی آن، امری اجماعی و مورد اتفاق همه مسلمانان است.

در خصوص تغییر تقدیر الهی در مورد رزق و عمر انسانها، احادیث فراوانی وارد شده است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرمود: «لَا يَزِيدُ الْعُمَرَ إِلَّا السُّبْرُ وَلَا يَزِيدُ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْرَمُ الرِّزْقَ بِخَطِيئَةٍ يَفْعَلُهَا»^۱ چیزی جز نیکی، عمر را نمی‌افزاید و چیزی جز دعا، بلا و سرنوشت را باز نمی‌گرداند و انسان گاهی به موجب گناهی که انجام داده است، از روزی محروم می‌شود.»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^۲ استغفار، موجب فزونی روزی می‌گردد.»

در روایت دیگر می‌فرماید: «أَكْثَرُو الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ»^۳ زیاد استغفار کنید تا به وسیله آن روزی را جلب کنید.»

در روایت آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام درباره آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْثِي»^۴ از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال نمودند و حضرت در پاسخ فرمودند: «لَأَقْرَنَّ عَيْنِيكَ بِتَفْسِيرِهَا وَلَا مَرْنَ عَيْنِي بِتَفْسِيرِهَا، الصَّدَقَةُ عَلَى وَجْهِهَا وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ يُحَوِّلُ الشَّقَاءَ سَعَادَةً وَيَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَيَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ...»^۴ [ای علی!] با تفسیر آن، چشمان تو و اتمت را روشن می‌کنم. [بدان که] صدقه دادن در راه خدا و نیکی به پدر و مادر و انجام کارهای

۱. سنن (ابن ماجه)، ج ۱، ص ۳۵، باب ۱۰، ح ۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷.

۳. الخصال، کتاب الذکر والدعاء، باب الاستغفار، احادیث ۴-۱۷.

۴. الدر المنثور، ج ۴، ص ۶۶.